

# رهائی

## ویژه مبارزات توده‌ای



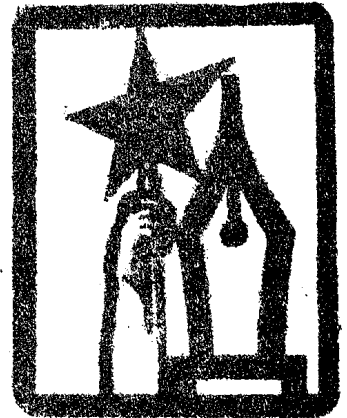
سال دوم - شماره ۸۹  
پنجشنبه ۲۵ تیرماه ۱۳۶۰  
به شماره ۱۰ رسال

سازمان فرهنگ و نشر کمونیست

### نشریه سازمان وحدت کمونیستی

بهای خیابانی و یا زیر شکنجه به قتل رسانده است، رژیم که آشکارا از اعدام خردسالان و کودکان ۹ و ۱۰ ساله سخن میگوید و به آن افتخار میکند، رژیمی که در دادگاههای درستی فرمایشی بدون حضور وکیل و بسا هیات منصفه و فقط ظرف کمتر از یکساعت دو ساعت برای انقلابیون احکام اعدام صادر کرده و به فوریت به مرحله اجرا میگذارد و ...  
جز این انتظاری نیست. این رژیم در تاریخ جایگاه خاصی را داراست. جایگاهی که نشانه فقط از لحاظ میزان جنایت و سببیت بلکه به لحاظ جهل و عقب ماندگی و به سبب توانایی فوق ارتجاعی و ماهیت قرون وسطایی آن بدون شک هیبت و آلابی دارد. عمر کوتاه رژیم جمهوری اسلامی و کارنامه‌ی سنگین آن در همین مدت برای تاریخ و آیندگان بدرستی کسب دوی عبرت خواهد بود. دوسی که این حکم درست و بقیه در صفحی ۲

## اطلاعیه دادستان کل انقلاب



### روی قانون ۱۳۱۰ رضاشاهی را سفید میسازد

روز شنبه ۲۵ تیر ماه ۱۳۶۰ "دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی" با صدور اعلامیه‌ای خطاب به گروهها و سازمانهای سیاسی و هواداران آنها آغاز فصل تازه‌ای را در زندگی سنگین رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی اعلام نمود. "دادستان کل انقلاب" با اجرای این قوانین تازه ثابت کرده که نه تنها هیچ چیز از اسلاف و همقطاران آریامهری خود کسم ندارد بلکه روی جنایتکاران فاشیست و میسرفه‌های ۱۳۰۰ سال پیش را نیز سفید کس کرده است.

حکم اخیر دادستانی بخوبی از ناتوانیها و عجز رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی که ادامه‌ی حاکمیت سنگین خود را مگر از طریق توسل به وحشیانه‌ترین و گریزنده‌ترین انواع زور و ظنونت ممکن نمی بینند، پرده بر میدارد. البته از رژیمی که فقط ظسرف دو هفته‌ی گذشته دهها و بلکه صدها نفسسور از بهترین انقلابیون جان برگزاف ایران را بسنسه جوخه‌های اعدام گسیل داده و یا ضمن درگیری

### در صفحات دیگر:

- \* گزارشی از :
- کارخانه‌ی تراکتور سازی تبریز
- \* بیانیه‌ی جمعیت حقوقدانان ایران
- \* مسائل امسریسکا کیست ؟
- \* اخبار

اطلاعیه ..

جاودانه را که تکرار تاریخ و تکرار مجدد آن تراژدی را به کمندی و کمندی را به فاجعه خواهد گشاید، اشبات میکنند.

حکمت اصلی اعلامیهی "دادستانی انقلاب" فقط در این نیست که مبارزین را به اعلام تهدید میکند و جو ارباب و اختناق را گسترده میسازد. اعلامیهی دادستانی بسیار پیش از این با فشار میگذازد. برای روشن شدن ابعاد جناپنبار حکم دادستان فد انقلاب، مفاد آنرا میتوان فقط با سیاهه های احکام اسلاف جناپنکارش مقایسه و تفسیر کرد.

حکم دادستانی اشعار میدارد که نه فقط تظاهرات و اعتصاب و تحمیل بلکه حتی پخش اعلامیه در خیابان مشمول "اشد مجازات" تحت عناوین پرهیبتی چون "معارض با خدا"، "مفسد فی الارض" و "باغی" یعنی اعدام بسرای مرتکبان خواهد شد. حکم دادستانی کسانیکه "منزل و بول و سایر امکانات" در اختیار گروه های سیاسی مخالف بگذارند را نیز مشمول عقوبت و زانیت اسلامی نموده و برای آنها رای اعدام صادر میکند. و بالاخره اینکه بنا بر این حکم کذابی اجاره کردن منزل در تهران و شهرستانها نیز مگر با تأیید کمیته های سپاه از این پس غیر ممکن میشود و متخلفان به "اشد مجازات" - اعدام اسلامی - تهدید میشود.

این چنین است منطق عدل و داد و قسمت اسلامی در جمهوری قرون وسطایی اسلامی. پخش یک اعلامیه مساوی است با حکم اعدام. حتی دادگاه های محمدرضا شاهی و تأمینات رضاخانی نیز تا بدین حد "پیشرفت" نکرده بودند. "دادستان انقلاب اسلامی" برامتی که روی هم قطاران گذشتهی خود را سفید کرد. یکی از سیاه ترین سیاهه های حکومت رضاخان تصویب قانون رسوا و افشا شدهی ۱۳۱۰ بود. طبق این "قانون" داشتن اعتقاد به کمونیسم اشتراکی (کمونیستی) مجازاتی برآید با ۲ تا ۱۰ سال زندان تعیین میشود. بر اساس همین قانون سیاه ۱۳۱۰ بسیاری از کمونیستها بهرم فعالیت سیاسی و نشر افکار کمونیستی دستگیر معاکمه و روانهی زندان شدند. در گذشته اپوزیسیون مترقی و انقلابی ایران بسبب اندازهی کافی در این مورد و موارد مشابه سخن گفته بود و این مطلب به حد کافی افشا گشته بود. لیکن صدور حکم اعدام به چشم اشاعهی عقیده و افشاگری سیاسی برآستی که بیسابقه است و نشان از نهایت اختناق و ستمت دارد. چندی پیش کمیتهی مرکب از انقلاب اسلامی ضمن اعلامیه ای هر نوع بحسب سیاسی در تا کسی ها را قذف نموده و بسبب مسافرت و رانندگان مختلف هشدار داد که احکام فد انقلاب در مورد آنها بمورد اجرا گذاشته خواهد شد. اینک متعاقب با آن ویسه

همراه ممنوعیت بحث سیاسی در اماکن عمومی دادستانی فد انقلاب یک گام به جلو نهاده و مجازات پخش اعلامیه را بصراحت "اشد مجازات" - یعنی اعدام - اعلام میکند.

چرا رژیم چنین میکند چرا اینقدر از بحث سیاسی و اشاعهی نظر سیاسی و خشت زده شده است تا بدان حد که تهدید به اعدام میکند؟ پاسخ را باید در موقعیت کنونی رژیم و هدفهای آن جستجو کرد. رژیم بحران زده و ورشکسته ای که عزم تثبیت گرفته، پس از عدم موفقیت همهی طرحها و برنامه های پیش برآز بی اعتبار شدنش در سطح وسیعتری رسیده ها اکنون به خونت رو آورده به این خیال میثک که همانند اسلاف گذشته اش میتواند با ایجاد وحشیانه ترین نوع اختناق و سرکوب پایه های حکومت جهانی خود را برگردانی توده های مردم مستحکم نماید.

لیکن سنگنا های عمیق اقتصادی سیاسی که رژیم هم اکنون با آن روبرو است وجود ناراضی شدید توده های بهمراه وجود اپوزیسیون انقلابی و علاوه بر آن تشتت موجود در حاکمیت که علیرغم بظاهر بگدست شدن هنوز بسا آن روبرو است مجال تثبیت در شرایط حاضر را به وی نمیدهد. تثبیت رژیم در شرایط فعلی بسیار دیر و بسیار غیر محتمل است. اگر تاکنون تاریخ ۳۰ ماهی گذشته فرصتی برآی تثبیت سیاسی - اجتماعی - اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی فراهم آورده بود. اکنون بسیار دیر شده است و زور و خونت و اختناق نیز بهیچ روی مددگار رژیم ارتجاعی نخواهد بود. برای رژیم فقط یک راه باقی است. و آن سرنگونیش بدست توانای توده های زحمتکش و انقلابی ایران و استقرار حاکمیت خستوده ها است و بس. اعلامیهی اخیر دادستانی نیز نمیتواند ابعاد اختناق و سرکوب را از آنچه اکنون موجود است بالاتر برد. اعلامیهی مزبور فقط به شناخت توده ها از ماهیت ارتجاعی و قرون وسطایی رژیم کمک نموده و نفرت آنان را از این جناپنکاران دو صد چندان خواهد نمود و عزم آنان را در نابودی این رژیم ضد مردمی هزم تر خواهد ساخت.

**یاخوانندگان ..**

به منظور وسهمنر کردن برد افشاگری در شرایط خفقان بار کنونی، سازمان مسا وظیفهی خود میداند که تعدادی از نشریه های رهائی را مجاناً در میان زحمتکشان پخش کند. برای اداعهی این راه و تأمین هزینه های لازم از دیگر خوانندگان رهائی میخواهیم تا با افزایش کمکهای مالی خود ما را یاری دهند.

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید

# کارخانه تراکتورسازی تبریز:

## اعمال ننگین عمال رژیم سرمایه‌داری افشاء میشود

فرهنگی وابسته به حزب‌رئوی جمهوری اسلامی عوامل اصلی برقراری اختناق در کارخانه بوده‌اند.



بعد از تصویب مجلس در اسفند ۵۹، تعدادی از کارخانجات بعد از مید معادل ۲۰ درصد اضافه تولید را بطور مساوی میان کارگران و کارمندان تقسیم کردند. کارگران کارخانه تراکتورسازی تبریز نیز از مدیریت کارخانه خواهان تقسیم ۲۰ درصد اضافه تولید شدند ولی جوابی دریافت نکردند. تا اینکه بالاخره روز سه‌شنبه ۸ اردیبهشت کارگران دست از کار کشیده و خواهان دریافت حق خود (۲۰ درصد اضافه تولید) میشوند. بعد از مدتی گفتگو و مذاکرات متفاوت بین مدیران فستهای مختلف با مدیرعامل و غیره، به کارگران گفته میشود که پنج شنبه پاسخ داده خواهد شد.

کارگران به سر کار باز نمیکردند و پنج شنبه دوباره تجمع کرده و خواستار حقوق مسلم خود میشوند. بعد از مدتی نفیسی وارد سالن شده و تهدید به اخراج کارگران میکند. ولی سپس در مقابل خشم کارگران عقب‌نشینی کرده و میگوید اجازه بدهید بروم ترازنامه را که از وزارت کار آمده است برایشان بیاورم تا ببینید. او سپس سالن را ترک کرده و دیگر باز نمیکرد.

در این میان دیسپاچرهای فستهای مربوطه که تماما عضو کانون فرهنگی هستند بطور مطلقا تمامی کارگران را یادداشت میکنند. روز یکشنبه که کارگران وارد کارخانه میشوند، تمامی ۱۰ نفر را در تابلوی اعلانات می بینند که با امضای اکیپرپور رئیس بسیج استان از کار معلق شده‌اند. ولی بعد از آن اعلامیه‌ای توسط مدیرعامل درمیشود که در آن اخراج کارگران را به دیسپاچرها نسبت میدهد.

این اطلاعیه سبب گفتگو در میان کارگران میشود. و چون کم‌کم جو کارخانه رو به تشنج می‌افتد، مدیر کارخانه جلسه‌ای با شرکات دیسپاچرها و نفیسی و اسکویی و دیگران تشکیل میدهد تا معلوم شود چه کسی کارگران را اخراج کرده است. در این جلسه پس از اینکه تمام حاضرین از خود رفع مسئولیت میکنند، مدیرعامل با عصیانیت می‌پوشد پس چه

گزارش زیر در مورد کارخانه تراکتور سازی تبریز اخیرا به دست ما رسیده است. گرچه از نظر تاریخ وقایع مورد ذکر مربوط به اردیبهشت است، لیکن نظر به اهمیت مسئله و ضمنا از این نقطه نظر که سابقا مطرح شده نمونه‌های بسیار جالب و زنده‌ای از برخورد عوامل رژیم سرمایه‌داری را بین کارگران و نحوه‌ی کلاهبرداری از آنها را بوضوح به نمایش میگذارد، اقدام به درج آن میکنیم.



ابتدا لازمست مختصر توضیحی درمبارای اسما عییل مسعودی اسکویی و نفیسی داده شود تا ما هیت عوامل کثیف رژیم روشنتر شود. اسما عییل اسکویی پسر بیابادار اما زاده‌ی اسکو است که از شاه‌دوستان معروف آنجاست. او معروف به کورشیخ احمدین اوغلی (پسر شیخ احمدگور) است که کتابی هم در تعریف و تمجید شاه دارد که بعطت بیسوادگی نوشتن آنرا پسرش انجام داده است. اسما عییل اسکویی ابتدا بعنوان کارآموز در کارخانه‌ی ماشین سازی تبریز استخدام و مشغول کار شد. بعد از اتمام دوره‌ی کارآموزی وی در امتحان پایان دوره مردود شد. وی مدتی بعنوان کارگر ساده در ریخته‌گری کار میکند و بعطت سختی کار بسیار پارتی بازی قسمتت را عوض کرده و در انبار بعنوان کمک انباردار کار میکند. پس از شروع جنگ ارتجاعی ایران و عراق، شخصی بنام اکیپرپور از طرف بسیج استان به کارخانه معرفی میشود تا در کارهای مربوط به ساخت وسایل بدگی ارتش نظارت کند. اسکویی در این میان از فرصت استفاده کرده و خود را مکتبی و از طرفداران پروپا قرص دولت معرفی میکند. اکیپرپور هم به او ارتقا درجه داده و وی را بعنوان رئیس حفاظت تراکتور سازی به مدیریت کارخانه معرفی میکند. وی شخصی است که بکرات کارگران مبارز و حق طلب را با اسلحه تهدید کرده است.

نفیسی رئیس پاکسازی کارخانه تراکتور سازی بود. وی قبلا از کارکنان شرکت کمپدور وابسته به ماشین سازی بود که بعطت مکتبی بودن، توسط اکیپرپور به ریاست پاکسازی گمارده شد. از اقدامات وی اخراج ۴۱ کارگر مبارز بود که تا حدی ناموفق ماند چون تعدادی از آنها با حمایت کارگران پسر کار بازگشتند. این دو عنصر کثیف همراه با کانسون

کسی غیر از شما اینکار را کرده است؟  
نفیسی جواب میدهد من گفتم و اکبرپور اعضا  
کرد.

سه روز بعد کارگران به کارخانه بساز  
میگردند و مدیرعامل نیز شفاها عذر نفیسی  
را میخواهد. ولی نفیسی نزد جلال تبریزی  
یعنی موسوی تبریزی رئیس بنیادگادهای تبریز  
میروند و از او نامه ای میگیرند که در آن از  
کارهای نفیسی تقدیر شده و او را تأیید کرده  
است. باین ترتیب نفیسی مجدداً مشغول کار  
میشود.

در این میان از طرفی کارگران اعتراض  
میکنند و از جانب دیگر نگهبانان کارخانه  
از رفتار اسکویی به مدیرعامل شکایت میکنند  
و وی طی دو اطلاعیه جداگانه اسکویی و  
نفیسی را طبق اساسنامه ای استغفاری  
اخراج میکند و باین ترتیب مبارزه ی کارگران  
به حداقل نتیجه ای که میرسد اینست که آنها  
را از شر نفیسی و اسکویی خلاص میکند.

ولی عوامل رژیم سرمایه داری یعنی  
کانون فرهنگی و مدیرعامل با دروغ پسر داری  
مسأله ای اضافه تولید را فعلاً به کنسار  
میگذارند. از طرفی کانون فرهنگی، تولید  
کارخانه را ۸ درصد برآورد کرده و با توسل  
به قانون کار مصوب رژیم آریا مهری ادعا  
میکند که ۲۰ درصد اضافه تولید تعلق  
نمیگیرد زیرا تولید به حد نصاب نرسیده  
است. از طرف دیگر مدیرعامل ادعا میکند  
که تولید سفر است و لذا هیچگونه حق تولید  
تعلق نمیگیرد.

دروغ و دست بردن در دفاتر از جمله  
شیوه های است که عوامل رژیم سرمایه داری همواره  
برای زیر پا نهادن حقوق کارگران به کار  
میگیرند. مثلاً در بولتن ماهانه ی شماری  
یک کارخانه ی تراکتورسازی، صفحه ی ۲، ستون  
اول، زیر عنوان "گزارش گردش نقدینگی  
کارخانه ی تراکتور سازی" چنین بیان شده  
است:

"کارخانه در مدت ۸ ماه از شهریور سال  
۱۳۵۹ توانسته است مبلغ ۳/۹۸۶/۸۷۷/۸۶۵  
ریال از بدهی خود به بانکها و شرکتها ی  
ذینفع را پرداخت نماید."

بنا بر این، دقیقاً اولین سئوالی که برای تمام  
کارگران مطرح است اینست که در صورت پذیرش  
این ادعا که کارخانه تولید نداشته، پس  
چگونه موفق به پرداخت مبلغ فوق الذکر شده  
است؟ آیا توجه به اینکه معمولاً بخشی، و نه  
همه ی درآمد به پرداخت بدهی اختصاص داده  
میشود.

گذشته از این، در "ضمیمه ی بولتن خبری  
شماره ی یک کارخانه ی تراکتورسازی ایستوران  
تبریز، پیشرفت پروژه ها در ششماهه ی دوم سال  
۵۹ و اوایل سال ۶۰، در صفحه ی ۴ قسمت ج -  
تولیدات ادوات کشاورزی" به "تصلب لودرسوئدی

مدل ۴۰۰۰ روی تراکتور (۶ دستگاه)، مونتساز  
تربلور (۱۶۶ دستگاه)، ساخت شاسی جهت موتورهای  
زمینی رومانی (۱۴۹۲ دستگاه)، مونتساز موتور  
آبرومانی (۱۴۹۲ دستگاه)، ساخت شاسی موتور  
رومانی (۲۱۶ دستگاه)، مونتساز موتور ژسرا ترا  
انگلیسی (۲۰ دستگاه) اشاره شده است. لیکن  
این قسمتها کلاً از ترازنامه ای که در اختیار  
کارگران قرار گرفته است حذف شده اند.

علاوه بر تمام اینها، دو فقره تولید  
نیز در کارخانه انجام گرفته که نه در تراز-  
نامه به چشم میخورد و نه در "ضمیمه ی بولتن  
خبری" و این دو فقره عبارتند از:

- ۱- موتورهای پیکنیز تعداد نامعلوم قیمت  
نامعلوم
- ۲- تولید تراکتورب- ۵ روزانه ۲ عدد  
هر عدد ۲۵۰ هزار تومان

روشن است که این دستکاریها و تقلبات  
فقط به این خاطر انجام گرفته است تا اعمال  
رژیم سرمایه داری بتوانند حق کارگران را  
براحتی با ادعای تولید سفر و غیره همچون  
همیشه باهمال کنند. از رژیمی که هر روز  
کارگران اعتراضی را به گلوله میپندد، رژیمی  
که دادستان فاشیست و خدانقلابی آن لاجوردی  
اعتراف میکند که کارگرانی را که در کارخانه  
ها از مرگ بهشتی شادی کرده بودند دستگیر  
کرده است، آیا جز این انتظار میسرود؟  
مسلماً خیر. مدیرعاملها، "کانون فرهنگی"  
ها (که در کارخانه های دیگر عموماً انجمن  
اسلامی و شورای اسلامی نام دارند) و امثال  
نفیسی و اسکویی در تمام کارخانه ها وظیفه ی  
سرکوب کارگران و دفاع از منافع سرمایه داری  
و دولت آنها، یعنی دولت جمهوری اسلامی را  
بعهده دارند. تنها راه کسب حقوق  
کارگران، مبارزه ی قاطعانه علیه این رژیم  
و عوامل آن در کارخانه ها یعنی انجمن  
اسلامی و توده ایها و سایر کسانی است که قصد  
حفظ این رژیم و کمک به سرکوب کارگران و به  
کجراه کشیدن آنها را دارند.



بیانیه ی

اقدام دادگاهها و دادسرای انقلاب را مغایر  
با اصول قانون اساسی و آخرین نامه ی دادگاهها  
و دادسراهای انقلاب و دیگر اصول و قواعد  
قضایی و حقوقی و برخلاف عدل و انصاف میدانند  
و آنها مورد اعتراض قرار داده معذور می کنند  
و خواستار قطع فوری اینگونه اعداهاست.

پیش بسوی تدارك انقلاب سوسیالیستی

# بیانیه جمعیت حقوقدانان ایران

"جمعیت حقوقدانان ایران" بیانیه‌ای تحت عنوان "بیانیه‌ی جمعیت حقوقدانان ایران بمناسبت اعدام غیرقانونی منتسبین به سازمانهای سیاسی" صادر کرده‌اند. تاریخ انتشار این بیانیه ۱۳۶۰/۴/۳ است. ما به لحاظ اینکه این بیانیه مواردی را که جلادان جمهوری اسلامی قوانین ارتجافی دست پخت خودشان را نقض کرده‌اند، بخوبی می‌شناسیم. بدیهی است که درج این بیانیه به مفهوم توافق ما با سایر مواضع جمعیت حقوقدانان نیست.



بنا به اطلاعیه‌های دادستانی انقلاب طرف سه روز بعد از درگیریهای خیابانی روز شنبه ۶۰/۳/۳۰ سی نفر از منتسبین به سازمانهای سیاسی، اعدام شده‌اند. اطلاعیه‌های دادستانی انقلاب حاکی است که اعدام شدگان در رابطه با درگیریهای بعد از ظهر روز شنبه دستگیر شده‌اند و هویت عده‌ای از آنها برای دادرسی و دادگاه روشن نشده است. در بین اعدام شدگان از سعید سلطانپور نویسنده و هنرمند متعهدی که سالها بخاطر مبارزات خود علیه رژیم شاه در زندان ساواک بسر برده بود اسم برده شده است که در فروردین ماه سال جاری در شب عروسیش بازداشت شده بود. و مسئولین علت بازداشت او را خارج کردن غیر مجاز از اعلام کرده بودند.

همچنین دو نفر از اعدام شدگان بنا به معنی فاضل و علیرضا رحمانی، چند ماه پیش بازداشت شده بودند و جمعیت حقوقدانان ایران، بنا به درخواست خانواده‌های این سه نفر، وکلایی را برای دفاع از حقوق نامبردگان تعیین کرده بود و تا چند ساعت قبضه اعدامشان، کیفرخواستی برای آنها صادر نشده بود تا محاکمه‌ای هم در بین باشد.

بنا بر این تا آنجا که ما میدانیم حداقل سه نفر از اعدام شدگان از چند صباه قبل در زندان اوین بازداشت بودند و طبیعتاً نمیتوانستند در درگیریهای خیابانی اخیر نقشی داشته باشند. با توجه به اینکه تمامی اعدام شدگان بخاطر فعالیتهای سیاسیشان بازداشت شده بودند هر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، میبایست بسمه اتهام آنها در دادگاه‌های دادگستری، بطور علنی و با حضور هیات منصفه رسیدگی بشود و دادگاهها و دادرسی‌های انقلاب صلاحیت رسیدگی

در باره‌ی آنها نداشتند. اما دادرسی‌ها و دادگاه‌های انقلاب نه تنها بر خلاف اصل یادشده‌ی قانون اساسی عمل کرده‌اند بلکه مقررات و قوانین حاکم بر دادگاههای انقلاب و اصول و قواعد مسلم آئین دادرسی را نیز رعایت نکرده‌اند.

طبق ماده‌ی ۶ آئین نامه‌ی دادگاهها و دادرسی‌های انقلاب، مصوب شورای انقلاب خواست باید حداقل سه روز قبل از تشکیل دادگاه به متهم یا وکیل او کتباً ابلاغ شود و مطابق مواد ۷ و ۸ همین آئین نامه "هر متهم حقیقی تعیین یک وکیل ایرانی را خواهد داشت که به مسایل قضایی و حقوقی جزایی اسلام آگاه باشد و دادگاهها بایده متهم و وکیل او حداقل ۱۵ ساعت حق دفاع بدهد." اما همانطور که گفته شد تا چند ساعت قبل از اعدام سعید سلطانپور و محسن فاضل و علیرضا رحمانی، کیفرخواستی برای آنها صادر و ابلاغ نشده بود و دیگر اعدام شدگان نیز بنا به اطلاعیه‌های دادستانی انقلاب

بعد از درگیریهای خیابانی روز ۶۰/۳/۳۰ بازداشت شده و همگی در فاصله‌ی کمتر از ۲۸ ساعت بعد از درگیریها اعدام شده‌اند.

آضافه بر این محاکمه و کیفر افراد بدون احراز هویت، اقدامی بر خلاف اصول و قوانین است زیرا هویت و سابقه‌ی متهم که از طریق آگهی هسی به نام و نام خانوادگی وی، قابل تحقیق و احراز است و گاهی این هویت، جزء ارکان اصلی و اساسی جرم بحساب می‌آید.

در اطلاعیه‌های دادستانی انقلاب، جراثمی به بعضی از اعدام شدگان نسبت داده شده است که مستند قانونی ندارد و این خود ناقض اصول ۲۶، ۱۶۶ و ۱۶۹ قانون اساسی مبنی بر اینکه "حکم به مجازات و اجرا آن باید از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد" و "احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است" و "هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمیشود" می‌باشد. در عین حال اگر صحت دارد که در بین اعدام شدگان، افرادی کمتر از ۱۸ سال وجود داشته اعدام آنها نیز نقض صریح ماده‌ی ۱۲ قانون مربوط به دادگاههای عمومی مصوب شورای انقلاب ناظر به ماده‌ی ۱۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکسار است که به موجب این مواد در صورتیکه افراد صغیر مرتکب جنایتی شوند که مجازات قانونی آن جنایت، حبس ابد و یا اعدام است مجازات صغیر حداکثر ۵ سال حبس خواهد بود.

بنا بر این جمعیت حقوقدانان ایران، این -



# عامل آمریکا کیست؟

همچنانکه رگبار مسلسل‌های پاسداران سرمایه‌ها هر روز گروهی دیگر از مبارزین راه آزادی توده‌های ستمدیده و معرووم را به خاک و خون می‌کشند نهضت آزادی بسازرگسان و دیگر سرمایه‌داران همسانگش، بار دیگر مطابق سنت غلط خود سر تعظیم در مقابل جلادان فرود می‌آورد و اعلامیه تسلیم صادر می‌کند (کپهان ۱۵ تیر ۶۰) و چه چیزی از این طبیعتی تر! اما آنچه که در این میان شاید قدری غیر طبیعی جلوه می‌کنند شیوه‌ای است که استبداد حاکم و رهبر آن بسوای رام کردن این دسته از رقبای خود در پیش گرفت آنچه در این میان خمینی بیان کرد و در روز ۲۵ خرداد خطاب به داروستانی بازرگان گفت:

"این کمونیستها که شما دشمن سرسختشان هستند و آمریکا هم دشمن سرسختشان است، شما حسابتان را ببانید ((از آنها)) جدا کنید.

امام خطاب به دولت‌مردان و روسای موم گفت: "ما خودمان هم عامل آمریکا هستیم و سپس توضیح داد که همیشه مزدورها حقوق بگیر نیستند، کسانی هم هستند که مزدور بی مزد نیستند و دقیقا همان راه‌های را می‌روند که آمریکا می‌خواهد و عینا همان روش را پیاده می‌کنند که آمریکا طرح ریزی کرده است..."

(اطلاعات یکشنبه ۱۴ تیر ۱۳۶۰ - تا کیسها از ما صحت)

استاد خمینی، یعنی گاشی، و همدستانانش پزانی و دیگران، این مزدوران مزد بگیر و بی‌مزد و منت "امریکا و دیگر استشارگران و رهبران خائن حزب توده بگیر در ۲۸ خرداد ۱۳۴۲ خدمتگزاری خود را به اربابان نشان ثابت کردند. اما اینبار اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی و بسیج زحمتکشان ایران می‌تواند نقشه آمریکا و متحدان و مزدورانش را نقش بر آب کند، بگوئیم تا چنین شود.

## اخبار...

دست "مجرم" را قطع کرده بود. در ملکشی که سردمدارانش میلیون‌ها و میلیاردها ریال ثروت زحمتکشان را از طریق مختلف "بنیاد مستضعفان" "حساب ۱۰۰" و دهها بنیاد و حساب دیگر بالا کشیده‌اند و هنوز راست‌راست راه می‌روند، پادوهای ایشان یعنی آخوندهای فاشیستی چون حاکم شروع به شهر و گرمان (که این دومی اخیرا از طرف حزب جمهوری اسلامی به نمایندگی مجلس انتخاب شد) - انگشتان افراد بهارهای را قطع می‌کنند که از فرط احتیاج از طرق "غیر مشروع" دست به تأمین مایحتاج خود می‌زنند و ولی کمینست که نداند دزدان واقعی در این جامعه سرمایه‌داران نسبی هستند که به کمک حزب جمهوری اسلامی خون مردم را می‌کشند. میلیون‌ها ثروت مردم زحمتکش ما در "بنیاد مستضعفان" به تاراج رفته است، ولی دزدان آن بجور بهشتی که به درگ واصل شد، هنوز به مجازات نرسیده‌اند.

در اینکه "حساب" بازرگان و امثال او از کمر نیستند جدا و با آمریکا یکی است جای شک نیست. اما چرا "رهبر سازش‌ناپذیر" بایستد برای به راه آوردن ایشان "آب‌نیات" امریکسا را به رخشان بگذرد؟ مگر رهبر "پادوهایش با آمریکا در "ستیز" نیستند؟ مگر پشت "شیطان بزرگ" را "بفکاک ترسانده‌اند"؟ مگر همه‌ی کسانی که ایس رژیم را بعنوان عامل جدید حاکمین سرمایه‌ی جهانی می‌شناختند، و می‌شناختند، "فدائقلاب" و "نیم‌مردی" و حتی "عامل امریکسا" معرفی نشده‌اند؟ ... پس همین "رهبر" و "امریکا" چه ریسان مسمیتی بسته‌است که بازرگان را به چنگردن به آن تشویق می‌کند؟

برای آنان که گفته‌ها و افشاگریهای نیروهای انقلابی یعنی همان "کفار" و خرمن سوزان و غیره تا کنون قانعشان نکرده است، شاید گفته‌ی سر مقاله نویسی "مکتبی روزنامه‌ی" مکتبی و متعهد" اطلاعات قانع کننده باشد. این نویسنده‌ی "متعهد" در مقاله‌ای که پسرای اشبات رابطه بنیهدر و سیا نوشته است می‌گوید:

"امروزه در اسناد جاسوسی که به اسرار ایسسام و به‌خاطر مصالح اجتماعات و شرایط جنگ و مصالح دیگر با تاخیر منتشر شده است می‌خوانیم که امریکسا و سیا در پی استخدام بنیهدر بوده‌اند. یادمان ترفند است آن سخن ایام گذشته در یکی از همان سخنرانیهای اختلاف‌افکن و جنگجویانه بیان شد.

# مبارزه با امریکالیسم جدا از مبارزه با سرمایه‌داری نیست

اخبار

طبق اخبار موشق رفیق طاهره آقاخانی عضو گروه کمونیستی نبود که به همراه همسرش علی عالم زاده کرمانی ( که وی هم عضو گروه کمونیستی نبوده بود ) بدست فاشیستهای جمهوری اسلامی اعدام شد ، اما همه عامله بود .

این عمل جنایتکارانه نشانه اوج شورش و وحشت و عجز دژخیمان فاشیست جمهوری اسلامی است که برای حفظ و بقای خود برای مدت کوتاهی دیگر دست بهر عمل وحشیانه ای میزنند این جلادان با اینکار خود ثابت کردند که وقتی مسئله بقای ایشان مطرح باشد حتی قوانین ارتجاعی دست پخت خودشان را که اعدام زن حامله را ممنوع میکنند ، زیر پا خواهند گذاشت . سنگ و نفرت بر شما ای جلادان .

سه تن از پزشکان بیمارستان " امام خمینی " دود مرد و یک درن بعلمت معالجهی بیمارانی و زخمی های مجاهدین توسط عوامل رژیم ترور شده اند .

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی جنایتکاری و وحشیگری را به جایی رسانده است که حتی پزشکانی را که متعهد به مداوای تمام بیماران هستند به قتل می رسانند . این رژیم در راه رسیدن به اهداف خود از هیچ جنایتی آبا ندارد . در طی دو سال و نیم گذشته و در شرایطی که مردم ما روز بروز از کمبود پوشک و دارو بیشتر در رنج هستند ، جنایتکاران حاکم بر کشور ما مدام پسرگان متعهدی را که بجای سواستفاده از حرفه ی خود به زحمتگشان میهن ما خدمت کرده اند ، به قتل رسانده اند . هنوز خون پزشکانی چون رشوند سرداری و نوریمیا بر دستان دژخیمان خشک شده است که اینان دست به این جنایت بیشرمانه زده اند .

گروه فرقان طی انتشار یکد فوق العاده از نشریه فرقان تحت عنوان " اعدام انقلابی : سید علی خامنه ای " بمبئی که طی آن امام جمعه تهر ان ، خامنه ای مجروح و روانه بیمارستان شد را بعهده گرفته است .

در این نوشته ، گروه فرقان دلایل منسل این عمل را بشرح زیر ذکر نموده است :

(۱) بلندگوی رسمی نظام دیکتاتوری آخوندبیم و تلاش گسترده در جهت تبلیغ اهداف و مقاصد و اعمال کثیف نظام و تحذیر و تعمیق توده های مادی و سادهی سوزمینمان و ایجاد جو مناسب برای پیشبرد طرحهای نظام .

(۲) تلاش گسترده در جهت بازسازی سیستمها و ارگانهای فد اطلاعاتی ارتش ، بنیانگذاری سیاسی ایندولوژیک و انجمنهای اسلامی و سایر ارگانها . همچنین تشکیل و پایه ریزی دادگاهها نظامی در ارتش به صورت دادگاههای جنایتبار نظامی رژیم قبیل .

(۳) نقش اساسی در تشکیل و سازماندهی سپاه و تبدیل آن به ارگانی سرکوبگر بصورت ساواک .

و کمیته های فد انقلابی رژیم قبیل ، (۴) عضویت در شورای مرکزی حزب حاکم و تلاش گسترده در جهت اجرا سیاستهای دیکتاتوری آخوندبیم .

(۵) بروز فساد و تباهی در جهت کسب قدرت و جاه و مقام و از مظاهر روشن فساد فی الارض .

مشهد

پاسداران و کمیته های چند روز پیش شیخ علی تهرانی و چند نفر از طرفداران وی را دستگیر کرده اند . وی چند هفته قبل نیز چشمد ماهی در بازداشت سر برده بود ولی بعد آزاد شده بود . طبق اخبار رسیده ، اینبار وقتی پاسداران وارد منزل شیخ علی تهرانی می شوند وی با پاره اجرا از خود دفاع می کند و پاسداران نیز وی را با کاربرد زخمی کرده و سپس او را دستگیر می کنند .

تبریز

طبق گزارشات دریافت شده ، جریان اعدام رفیق روح زنگیز دهقانی ( خواهر رفیق اشرف دهقانی ) به این ترتیب بوده است که خانمهای مهمل مکتوبت وی چندی قبل مورد بیورش پاسداران واقع می شود . بعد از تشتت منزل تنها بسنگ شیرناهی چریکهای فدائی خلق و یک الیوم عکس را همواره خود می برند و از او می خواهند بعدا برای تعویب گرفتن الیوم مراجعه کند . چند روز بعد معادفها وقایع اخیر ، رفیق روح زنگیز برای باز پس گرفتن الیوم عکس به " سپاه پاسداران " سرمایه مراجعه می کنند ولی دژخیمان سپاه فد انقلاب او را دستگیر می کنند .

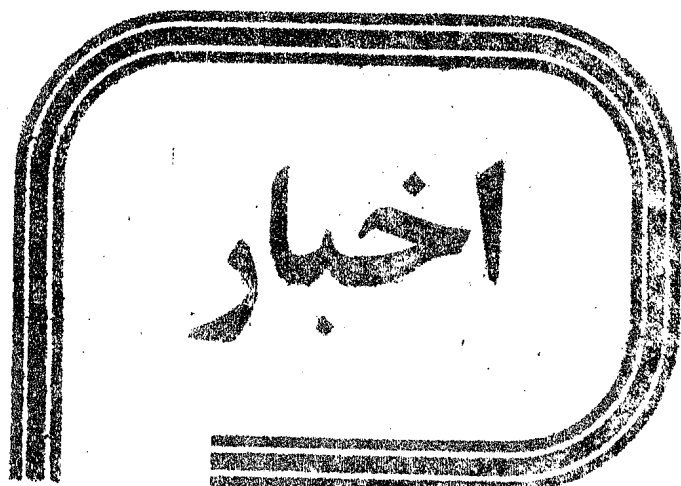
پس از چند روز خبر تبریاران وی توسط موسوی تبریزی این دیوانه زنجیری و با اصطلاح حاکم شرع تبریز منتشر می شود ، سنگ و نفرت بر جلادان .

بمشهد

طبق گزارشات رسیده ، فردی که بعلمت " دزدی " بروج و روغن مشمول مجازات وحشیانه و قرون وسطایی عد اسلامی شده و انگشتان دست وی قطع گردیده بود ، در اثر عفونت و خونریزی به بیماری قانقاریا دچار شده و در گذشته است .

حاکم شرع فاشیست بمشهر نیز خبر مسرگ را قائلید کرده است . گفته می شود این حاکم شرع فاشیست شخصا با ساطور چهار انگشت

در مقابل بیورش دستجات سرکوبگر رژیم به مقاومت و مقابله برخیزیم



# تهران

روز چهارشنبه ۱۷ تیر مجتمع دستگویی وزارت مسکن مورد حمله کمیته چپها واقع شد در این حمله مغول وار ۷ نفر دستگیر شدند همچنین ساعت ۱۲ شب پنجشنبه ۱۸ تیر مجتمع ساختمانی آ.ا.پ. در ونک مورد حمله واقع شد باسداران رژیم ستم و سرمایه تا ساعت ۶ پیوسته از ظهر روز جمعه مشغول جستجو در این مجتمع بودند هنوز از تعداد دستگیریهما اطلاع دقیقی در دست نیست.

رژیم جمهوری اسلامی تصور میکنند که پس از تشدید جو اختناق و تسود و زیر پا گذاشتن کلیه حقوق انسانی ممکن و قابل تصور می تواند از رشد و گسترش مبارزه جلوگیری بعمل آورد بیسی جهت نیست که این رژیم سرمایه داری با توان و نیروی خود از تجربیات رژیم آریا مهر و امکانات بساواکا استفاده میکند دست به همان نوع خائسه گردیهها و کشتارها میزند و در شهرها و دهات حکومت نظامی سفور خود را برقرار میکند.

غافل از اینکه تشدید اختناق و گسترش تسور و اعدام هیجگاه از جانب یک رژیم با شانس و طعنه از خود انجام نمیگیرد و اینگونه اعمال از جانب هر رژیمی که صورت بگیرد نشانهی تسور و وحشت و بی اعتمادی نسبت به آیندهی آن است. غافل از اینکه اینگونه اعمال فاشیستی هیجگاه قادر نبوده و نیست که از گسترش نارضا بستی و مبارزه جلوگیری کند بلکه بالعکس سبب تعمیق نفرت و کینه مردم از رژیم نیز میگردد. رژیمهای ارتجاعی نیز همواره برای اعمسال جنایت آمیز و وحشیانهی خود تقاضای پس میدهند. این امریست که بارها توسط تاریخ با شبات رسیده است. ایران هم استثنا نیست.

امین ارطغر ، یکی از مبارزین سیاسی که روز دوشنبه ۱۷ تیر به گفتهی رژیم خمینیستی "یاعی، مهارب و مفسد شناخته شد و به اعدام محکوم گردید" (کیهان ، سهشنبه ۲ تیر ۶۰) جوانی ۱۳ ساله و از نواداران سازمان

مجا همدین بود . رژیم وی را بطورغ "فسوزن یکی از مصلحین تعقیب شده از یکی از انستیتوها تهران توسط مسئولین انقلاب فرهنگی" معرفی کرد ، در صورتی که پدر شهید چندین سال قبل از خدمت فرهنگی کناره گیری کرده بود . رژیم جمهوری اسلامی با این اعمال وحشیانه خود ثابت کرده است که در پیشروی ، دروغگوئی و جنایت پریشگی در تمام دنیا بی نظیر است حتی در عقب مانده ترین و فاشیستی ترین کشورهای جهان افراد زیر ۱۸ سال را اعدام نمیکنند بگذریم از اینکه در بسیاری از کشورها اسباب مجازات اعدام دیگر وجود ندارد ، ولی رژیم جمهوری اسلامی حتی حد و مرز صفت نیز برای این عمل وحشیانه قائل نیست و حتی به این جنایت بار خود افتخار هم میکنند .

رژیم جمهوری اسلامی در ادامهی سیاست سانسور و اختناق خود ، ۵۴ نفر از کادر اداری تلویزیون را که اکثرا " از اعضای شورای اداری و شورای کارکنان بوده اند ، بچرم اغتشاش در محیط اداره ، سرپیچی از دستورات ، بدگوشی از رژیم اخراج کرده است . گفته میشود ۴۶ نفر دیگر نیز در لیست اخراج هستند . در ادامهی چنین سیاستی رژیم جمهوری اسلامی بتدریج بناچار به اخراج بخش کثیری از کارمندان پفاطری " هوشهای " فوق استاده ، پرگسی پوشیده نیست که کمتر کسی در ادارات مختلف ( و ) حتی در تلویزیون که از ابتدا بارها تعقیب شده است ) با رژیم جمهوری اسلامی موافق است . با او همکاری میارزد ، کارمندان نیز به اعتماد و کم کاری خواهند پرداخت و عرصه را بر رژیم شگفتی و تشنگی خواهند کرد .

جلادان رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی هر روز بیش از پیش دست خود را به خون بهترین فرزندان میهن می آلودند . کیهان یکی از سخنگویان کشید ارتجاع حاکم دیروز ( دوشنبه ۲۴ تیر ۶۰ ) خبر اعدام ۳ تن از انقلابیون کرد را در سانسور منتشر کرد .

کیهان همچنین خبر از اعدام ۵ زندانی سیاسی دیگر را همراهدوماجر بازاری میدهد . بدون شک اعدام دو بازاری نشانه حاد شدن تضادهای درون سرمایه داران است و حاکی از این است که در جدال بخشهای مختلف سرمایه داری زمانیکه منافع سرمایه داری به خطر افتد ، رژیمهای سرمایه داری با یکی از قربانی کردن یکی دو سرمایه دار نیز نخواهند داشت و حتی در صورت لزوم با یکدیگر تعقیب حسابها میکنند و خونین کیم خواهند کرد . اما اعدام زندانیان سیاسی توسط رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی دقیقاً برعکس این مسئله است که عطش جلادان رژیم به خون سیرینا بندیر است و چون تسفور بر فراز سر زندانیان سیاسی پرواز میکنند تا مردم طعمهای بگیرند ، این فاشیستها در پیشروی و وحشیگری و جنایت حتی از بزرگترین جنایتکاران تاریخ پیشی گرفته اند و نام خود را در کنار نام هیتلر و گوبلز و میدلینگ و سولتسباخ و سولتسباخ ثبت کرده اند .

## هسته های مقاومت توده های سازمان دهیم